



دانشگاه گورگان علمی و منابع طبیعی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۶

<http://jead.gau.ac.ir>

واکاوای الزامات و چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی

وحید علی‌آبادی^۱، * یوریا عطائی^۲، رضا موحدی^۳ و مهرناز خیاطی^۱

^۱دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ^۲دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ^۳دانشیار ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ^۴دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۱۲

چکیده

خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی یکی از مهم‌ترین مسایل پیش روی کشور به حساب می‌آید. لذا، هدف اصلی این پژوهش، واکاوی کیفی الزامات و چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی است. تحقیق در دو بخش انجام شد. بخش اول به روش دلفای در سه مرحله و با مشارکت ۲۵ نفر از متخصصان در حوزه خوداشتغالی شامل: کارشناسان بخش اقتصاد کشاورزی و اعضای هیأت علمی دانشگاه، مدیران ستادی اداره تعاون و کارآفرینان برتر انجام شد و بخش دوم با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شد. انتخاب نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. نتایج در مورد ۲۶ چالش در حوزه ایجاد و توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی به اشباع نظری رسید. در نهایت، چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی به چهار گروه سازمانی- نهادی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و فردی- حرفه‌ای تقسیم‌بندی شدند. در پایان با توجه به نتایج به‌دست آمده از این مطالعه پیشنهادهایی ارائه گردید.

واژه‌های کلیدی: خوداشتغالی، دانش‌آموختگان کشاورزی، کارآفرینی، چالش‌ها

مقدمه

از دغدغه‌های مهم مردم و مسئولان کشور است (طهماسبی، ۱۳۸۴). شواهد آماری نشان می‌دهد که بیکاری در بین دانش‌آموختگان دانشگاهی در رشته‌های کشاورزی در وضعیت نامناسبی است. متخصصانی که می‌توانستند با کار و تلاش در بخش کشاورزی باعث پیشرفت، توسعه و خودکفایی کشور شوند، نتوانستند در این بخش مشغول به کار شوند و یا به اشتغال در بخش‌های دیگر و شغل‌های کاذب روی آورده‌اند (موحدی و همکاران، ۱۳۸۹). امروزه،

امروزه، یکی از مسائل بارز جامعه ایران مسئله اشتغال دانش‌آموختگان است. کشور ما با مسائلی از جمله جوانی جمعیت، افزایش سطح تحصیلات، درصد بالای بیکاری به‌ویژه بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، افزایش سطح مشارکت اجتماعی و فقر مواجه است. کاهش ایجاد اشتغال و میزان بیکاری، به‌ویژه برای جوانان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها، یکی

*مسئول مکاتبه: ataeip@yahoo.com

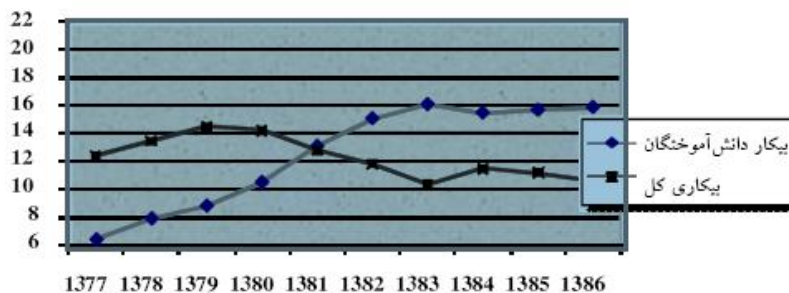
دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی یکی موضوعات اساسی پیش روی نظام آموزش عالی کشور است. با توجه به این‌که بزرگترین دغدغه دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی و نیز دولتمردان کشور افزایش فرصت‌های شغلی است، لذا پی بردن به راهکارهای عملی جهت ایجاد اشتغال بسیار حایز اهمیت است. لذا، این پژوهش با هدف، بررسی الزامات و چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی انجام گرفته است.

مبانی نظری: در طول سال‌های اخیر سیاست‌های زیادی در جهت کاهش نرخ بیکاری در بین دانش‌آموختگان کشاورزی دنبال شده است. جدیدترین سیاست اتخاذ شده، پیوند هر چه بیشتر نظام آموزشی با نیازهای بازارکار و در واقع گسترش رابطه صنعت و دانشگاه است. لذا، با وجود همه تلاش‌های صورت گرفته در زمینه حل بحران بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی و در واقع ناتوانی آن‌ها در جهت دستیابی به شغل پایدار، مشکل همچنان به قوت خود باقی است. حال زمان پرسش این سوال فرا رسیده است که چرا علی‌رغم توجه زیاد به برنامه‌های ارتقای رشد و توسعه اقتصادی کشور و تحولاتی که در نظام آموزش عالی کشاورزی در جهت تربیت نیروی انسانی متخصص و ماهر در بخش کشاورزی برای به حرکت درآوردن چرخ توسعه اقتصادی کشور صورت پذیرفته، همچنان مشکل بیکاری دانش‌آموختگان کشور حاد می‌باشد؟ آیا مؤسسات آموزش عالی در هدف خود به‌منظور پرورش نیروی انسانی موردنیاز بازار کار با شکست مواجه شده‌اند؟ واضح است که هر اندازه مهارت‌های آمادگی شغلی موردنیاز دانش‌آموختگان کشاورزی بیشتر شناخته شوند و آموزش‌های بیشتری به آن‌ها اختصاص یابد، دانش‌آموختگان با توانایی شغلی بالاتری وارد بازار

از آنجایی که ساختار اقتصادی کشورها به سوی تغییر در جهت اقتصاد مبتنی بر دانش پیش می‌رود، نقش دانش و پردازش، انتقال و بهره‌گیری از آن بیش از پیش برجسته شده است. با این تصور که توسعه اقتصاد کشور، نیازمند به‌روزرسانی نیروی کار انسانی است و این امر در مفهوم «خوداشتغالی» رمزنگاری شده است. لذا، در سطح بین‌المللی، این اعتقاد که آموزش عالی در تجهیز نیروی انسانی متخصص به‌منظور توانایی مشارکت در اقتصاد دانش محور جدید نقش دارد، یکی از نیروهای محرکه اصلی به سوی اشتغال‌پذیری بوده است. با وجود این، اهمیت کنونی اشتغال‌پذیری و خوداشتغالی به‌عنوان یک هدف فراگیر برای سیاست‌های ملی و فراملیتی خصوصاً در کشورهای در حال توسعه به‌دلیل توجه به بحران بیکاری است (McQuaid and Lindsay, 2005). بیشتر کشورهای دنیا با مسائل و مشکلات اشتغال درگیرند ولی تعدد عوامل مشکل‌آفرین و ناشناخته بودن برخی از آن‌ها در کشورهای جهان سوم موجب پیچیده‌تر شدن موضوع شده است؛ به همین دلیل مدیریت کلان کشور به دنبال استفاده از روش‌های علمی برای شناخت و کنترل عوامل مشکل‌آفرین در زمینه بیکاری و تبدیل چالش‌ها به فرصت برای شتاب دادن به حرکت توسعه است. کشاورزی در ایران از مهمترین بخش‌های اقتصادی اجتماعی کشور به شمار می‌رود ولی منابع و پتانسیل‌های موجود در این بخش به‌طور کامل استفاده نشده‌اند. بروز مشکل بیکاری بخش عظیمی از دانش‌آموختگان دانشگاهی شاهدهی بر این ادعاست که متأسفانه پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های انسانی این بخش برای اشتغال‌زایی و کارآفرینی شناسایی و بررسی دقیق نشده‌اند (Movahedi, 2009). بررسی‌های به عمل آمده در حیطه‌های موضوعی، مسئله اشتغال

با ویژگی‌هایی مانند نیاز به موفقیت، نیاز به استقلال، تمایل به ریسک و مخاطره، رهبری، گرایش به خلاقیت و نوآوری و فعالیت‌های جدید، روحیه شکست‌ناپذیری و مسئولیت‌پذیری توصیف شده‌اند (عربیون و همکاران، ۱۳۹۲). به باور رابینسون و همکاران (Robinson et al., 2007) نیز گرایش بهترین پیش‌بینی کننده رفتارهای کارآفرینانه و خوداشتغالی است و این رفتارها را می‌توان با آموزش و یادگیری تغییر داد. در مورد دانش‌آموختگان بخش کشاورزی، کشور با شرایط حادی مواجه است به گونه‌ای که آمار از این واقعیت تلخ خبر می‌دهد که تا سال ۱۳۹۰، تقریباً ۲۳۳ هزار دانش‌آموخته بیکار در رشته‌های کشاورزی وجود دارد و تقریباً دو برابر نرخ بیکاری در بین سایر توده‌های بیکار کشور بوده است (یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۳).

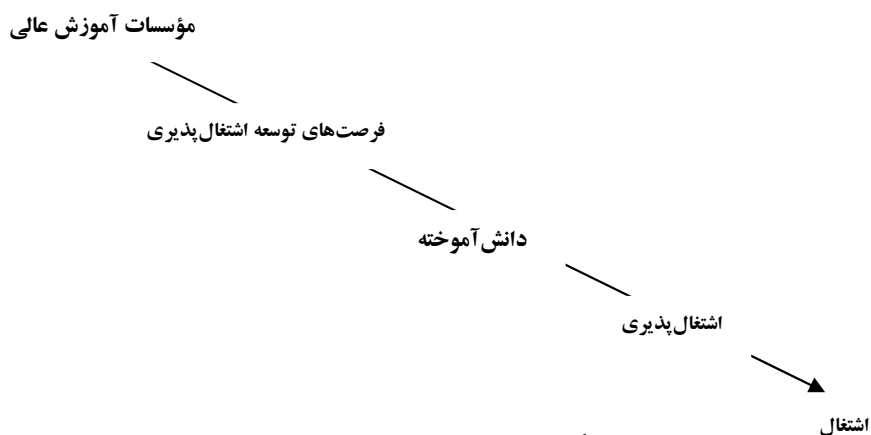
کار خواهند شد (Alibeige and Zarafshani, 2006). یکی از مهمترین اقدام‌ها در زمینه گسترش کارآفرینی و خوداشتغالی بین دانشجویان و دانش‌آموختگان، تحت تأثیر قرار دادن نگرش آنان نسبت به این مقوله است. نگرش به‌عنوان یکی از مهمترین جنبه‌های سه‌گانه رفتار در شکل‌گیری آن بسیار مؤثر بوده و نگرش فرد در مورد یک موضوع، بر رفتار وی نسبت به آن موضوع تأثیرگذار است. کالیندو و همکاران (Caliendo et al., 2011)، اثر ویژگی‌های فردی را در تصمیم به خوداشتغالی بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که گرایش، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های فردی است که نقش مهمی در خوداشتغالی ایفا می‌کند. گرایش به خوداشتغالی لازمه موفقیت در فعالیت‌های مربوط به شروع کسب و کارهای نوپاست؛ زیرا آغاز هدفمند فعالیت نیازمند کیفیت‌ها و نگرش‌های منحصر به فرد است. کارآفرینان



شکل ۱- روند تغییر نرخ بیکاری کل و دانش‌آموختگان آموزش عالی (پورکریمی، ۱۳۸۵)

شاخص عملی ناخالص از فعالیت توسعه اشتغال‌پذیری در داخل مؤسسات آموزشی است و به یک ارتباط مستقیم بین فعالیت آموزشی و موفقیت دانش‌آموختگان در استخدام اشاره دارد، این امر منجر به توسعه مدل «گلوله جادویی» اشتغال‌پذیری گردید (شکل ۱) (Harvey, 2002).

برخی کارشناسان معتقدند عملکرد دانشگاه در تعلیم دانش‌آموختگان برای ورود به جامعه مطلوب نبوده است و دانش‌آموختگان برای ایجاد شغل و کارآفرینی، مهارت لازم را ندارند (De La Harpe, 2000). از آنجایی که اشتغال یک خصیصه فردی است و ناپستی با نرخ اشتغال‌پذیری یک نهاد آموزشی، خلط گردد. لذا، اشتغال دانش‌آموختگان یک



شکل ۱- مدل گلوله جادویی اشتغال‌پذیری (Harvey, 2002)

دانشگاه اوکلن^۱ در خصوص نقش برنامه‌های دوره تحصیلی در آمادگی شغلی و دستیابی به شغل مطلوب، به این نتیجه دست یافت که با آن که اکثر دانش‌آموختگان از رشته تحصیلی خود راضی بوده‌اند، اما با این حال بیشتر آن‌ها، مشاوره‌های شغلی و مهارت‌آموزی در محیط‌های کاری را برای دانشجویان در دوران تحصیل، پیشنهاد کرده‌اند. همچنین دانش‌آموختگان کمبود مهارت‌های کسب و کار را در برنامه‌های درسی به‌عنوان یک مشکل عمده شناسایی نموده و معتقد بودند که این مهارت‌ها به خوداشتغالی بهتر کمک خواهد کرد. بر اساس نتایج پژوهش کاگاری (Kagaari, 2007) بر روی دانشجویان، دانش‌آموختگان و ناظران، نشان داد که مهارت‌آموزی عملی، برنامه درسی و کارورزی در آمادگی دانش‌آموختگان برای رویارویی با چالش‌های شغلی یا اشتغال‌پذیری، مناسب می‌باشند. محققین کیفیت پایین نیروی کاری جوان و بالا بودن نرخ بیکاری را با نامناسب بودن آموزش‌های ارائه شده مرتبط می‌دانند. رایبسون و همکارانش (Robinson et al., 2007) درباره احراز مشاغل مختلف کشاورزی در آینده توسط دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی نتیجه گرفتند که داشتن انگیزه و نگرش مثبت؛ توانایی کار

مؤسسات آموزشی تنها یک عامل در بین عوامل بسیاری است که بر اشتغال دانش‌آموختگان تأثیر می‌گذارد. با این حال، مؤسسات آموزشی نه تنها در دانش، مهارت‌ها و تجارب دانش‌آموختگان سهم بسزایی دارند، بلکه دانش‌آموختگان را به کسب دیگر تجارب زندگی نیز تشویق می‌کنند.

پیشینه تحقیق

عربیون و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود پیرامون ملزومات خوداشتغالی و کارآفرینی در بین دانشجویان علوم کشاورزی و منابع طبیعی گران بیان داشته‌اند که برخورداری از منابع و امکانات فیزیکی تولید، برخورداری از آموزش تخصصی کسب و کار و داشتن تجربه کاری در زمینه مربوط از ملزومان مهم خوداشتغالی می‌باشند. رضایی و صفا (۱۳۹۵) الزامات سیاسی، مهارتی- آموزشی، ارتباطی- اطلاع‌رسانی و مالی- هزینه‌ای را برای توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین کشاورزی پیشنهاد داده‌اند. کلدی و همکاران (۱۳۹۱) نیز ویژگی‌های شخصیتی نظیر خطرپذیری، کنترل درونی، استقلال‌طلبی و توفیق‌طلبی را از عوامل مؤثر در توسعه طرح‌های خوداشتغالی و کارآفرینی دانسته‌اند. جکسون (Jackson, 2007) نیز با انجام مطالعه‌ای به‌منظور بررسی دیدگاه دانش‌آموختگان علوم انسانی

1- Oclan

ایجاد خوداشتغالی می‌باشد (Maya and Anton, 2012). تحقیق دیگری در چین نیز حاکی از آن است که رقابت ناعادلانه با بخش دولتی، دسترسی کم به منابع مالی، نبود قوانین و مقررات مرتبط مناسب، سنگین بودن مالیات‌ها و ضعف سیستم‌های حمایتی، مهمترین چالش‌های نهادی برای توسعه خود اشتغالی بوده است (Zhu et al., 2011).

یافته‌های پژوهش ابدی و زمانی (۱۳۸۸) نشان داد که دانشجویان تجربه، زمینه و آشنایی کافی را با فعالیت‌های کشاورزی ندارند. به اعتقاد شریعت و دانایی (۱۳۹۰) مشکلات و موانع اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی را باید در ویژگی‌های دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور و سایر شرایط جامعه مانند وضعیت کنونی بازار کار کشاورزی و در سطح در بعد سیاست‌ها و برنامه‌های کلان اشتغال کشور جست‌وجو کرد. حجازی و همکاران (Hejazi et al., 2008) نیز معتقدند که با توجه به رشد بیش از حد دانش‌آموختگان کشاورزی و افزایش بیکاری آن‌ها، هدایت دانش‌آموختگان کشاورزی به سمت خوداشتغالی از طریق فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کارهای غیردولتی در بخش‌های مختلف کشاورزی در کاهش بیکاری مؤثر است. مارتینس (Mertens, 2004) بیان می‌کند که تأکید بر محتوا و برنامه‌های درسی از پیش تعیین شده در نظام‌های آموزش عالی اشتباهی بس بزرگ است؛ چرا که برنامه‌ها و مهارت‌هایی که در دانشگاه‌ها ارائه می‌شوند، باید کاملاً انعطاف‌پذیر و قابل تغییر مطابق بازار کاری باشند که دائماً در حال تغییر است. به اعتقاد وارگاس زونیکا (Vargas Zuniga, 2004) سازگاری و تناسب مهارت‌ها و شایستگی‌هایی که در دانشگاه‌ها کسب می‌شوند با کار و اشتغال یکی از راهبردهایی است که باعث ایجاد ارتباط بین دانشگاه‌ها و کارفرمایان در بازار کار می‌شود.

کردن با دیگران؛ و توانایی کار به‌طور مستقل، مهمترین عوامل مؤثر در کسب شغل در آینده هستند. به اعتقاد کانن (Cannon, 2005) افراد گرایشی برای ورود به رشته‌های کشاورزی ندارند. از جمله دلایل آن عبارتند از: کاهش نقش بخش کشاورزی نسبت به صنعت در رشد اقتصادی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ افزایش شدید قیمت‌ها، تبلیغات سوء رسانه‌های خبری درباره کشاورزی و بزرگ‌نمایی مشکلات زندگی روستایی و کشاورزی، و فقدان دانش و مهارت‌های حرفه‌ای دانش‌آموختگان کشاورزی. عمده‌ترین دلایل بیکاری دانش‌آموختگان کشاورزی را می‌توان در نبود تناسب برنامه‌های درسی کشاورزی با نیازهای واقعی بازار کار (شهبازی و علی بیگی، ۱۳۸۵)، نداشتن شایستگی‌ها مهارت‌های عملی و موردنیاز بازار در دانشجویان و دانش‌آموختگان، نبود راهبردها (موحدی، ۲۰۰۹)، سازوکارهای ارتباطی قوی بین نظام آموزش عالی و بازار کار (Esters and Bowen, 2005) و در نهایت مشکلات دولت در استخدام خیل عظیم دانش‌آموختگان دانشگاهی (زمانی و عزیز، ۱۳۸۵) خلاصه کرد. خلیل (Khalil, 2013) در تحقیق خود دریافت که نبود فناوری‌های اطلاعاتی، کمبود منابع مالی، ضعف آموزش کارشناسان و مدیران بنگاه‌ها، قوانین و مقررات سخت‌گیرانه و انعطاف‌ناپذیر، ضعف در زیرساخت‌ها، پایین بودن کیفیت محصولات تولید شده، دسترسی کم به تسهیلات و منابع اعتباری، ضعف حمایت از سوی دولت و پایین بودن سطح تجربه در کشور اردن، مهمترین موانع توسعه خوداشتغالی می‌باشد. همچنین، پژوهش دیگری در اندونزی نشان داده است که شرایط رقابتی سخت، دسترسی پایین به منابع مالی، قیمت بالای نهاده‌های انرژی، نداشتن دسترسی کافی به فناوری‌های مرتبط، نبود ثبات اقتصادی، پایین بودن سطح مهارت مدیران، نبود بازارهای کافی و دسترسی اندک به نهاده‌های تولیدی از مهم‌ترین چالش‌های

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی در دو بخش، صورت پذیرفت است. در بخش اول برای شناسایی چالش‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی به روش تحلیل محتوا و در بخش دوم از تکنیک دلفای در سه راند و با مشارکت ۲۵ نفر از خبرگان کشور شامل: کارشناسان اقتصاد کشاورزی (پنج نفر)، اعضای هیأت علمی ترویج، آموزش کشاورزی و توسعه روستایی (شش نفر)، کارشناسان جامعه‌شناسی روستایی (سه نفر)، روانشناسی (سه نفر) و مدیران بخش‌های ستادی و اجرایی اداره کل تعاون و استانداری استفاده شد (چهار نفر) انجام شد. به منظور شناسایی خبرگان نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند (براساس سطح دانش، مهارت اجرایی و عملی، داشتن مقاله و پژوهش‌های مرتبط در زمینه اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی در کنار کارآفرینان برتر که در زمینه کشاورزی فعالیت می‌کردند (چهار نفر) که در سراسر کشور پراکنده بودن، در پژوهش شرکت نمودند. سوالات و پرسشنامه‌ها به صورت ایمیل در اختیار متخصصان قرار گرفت. در مرحله نخست حدود صد پژوهش که در زمینه اشتغال، بیکاری و خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی صورت پذیرفته بود، در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ مورد مطالعه قرار گرفت و با استفاده از روش تحلیل محتوا بر اساس درصد فراوانی ۵۰ چالش شناسایی شد. یکی از انواع روش‌های تحلیل محتوا دسته‌بندی عوامل بر اساس میزان تکرار آنان می‌باشد که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. در گام بعد یک پرسشنامه باز با یک پرسش در این رابطه که چالش‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی که براساس تحلیل محتوای پژوهش‌های هفت سال گذشته به دست آمده بود، در پرسشنامه در بخش جداگانه تبیین شد، از متخصصان موضوعی خواسته

شد علاوه بر پاسخ به سوال باز در این زمینه که از دیدگاه آنان چالش‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی ایران چه عواملی می‌باشند، را پاسخ دهند و در میان چالش‌های استخراج شده آن‌هایی که از نظر آنان اهمیت بیشتری دارد انتخاب کنند. پس از دریافت پاسخ‌ها و بررسی آن‌ها، دیدگاه‌های همانند یا نزدیک به هم با استفاده از تحلیل محتوا و تکنیک کدگذاری در یکدیگر ادغام شد و به صورت پرسشنامه بسته در چارچوب ۵۶ گویه، تدوین شد. این پرسشنامه اساس اجرای مرحله دوم قرار گرفت و دوباره در اختیار متخصصان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد با استفاده از طیف لیکرت (خیلی کم = ۱، کم = ۲، تا اندازه‌ای = ۳، زیاد = ۴، خیلی زیاد = ۵)، چالش‌ها را از نظر اهمیت، اولویت‌بندی کنند. با گردآوری و تحلیل داده‌ها چالش‌ها به ۲۹ عدد کاهش یافتند که مبنای تدوین پرسشنامه مرحله سوم دلفای با هدف رسیدن به اجماع شد. در این مرحله گویه‌هایی که دارای میانگین $3/5$ و بالاتر از آن بودند انتخاب شدند (Myers et al., 2005). در مرحله سوم از متخصصان خواسته شد تا موافقت یا عدم موافقت خود را با هر کدام از چالش‌ها اعلام کنند که در نهایت ۲۶ گویه به عنوان چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی تأیید شدند. که بیش از ۷۵ درصد موافقت با آن‌ها وجود داشت. داده‌پردازی و محاسبات آماری نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد.

یافته‌ها

بعد از تحلیل یافته‌های مرحله اول و تخلیص داده‌ها به روش تحلیل محتوا، نتایج در قالب یک پرسشنامه باز در اختیار خبرگان قرار گرفت که میزان اهمیت هر کدام از چالش‌ها را با استفاده از طیف لیکرت مشخص نمایند (جدول ۱).

جدول ۱- دیدگاه متخصصان موضوعی در مورد چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی.

اولویت	انحراف معیار	میانگین از ۵	چالش‌ها
۱	۰/۸۹	۴/۶۶	عدم ریسک‌پذیری افراد
۲	۰/۹۳	۴/۲۶	عدم شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها
۳	۰/۹۱	۴/۶۵	فقدان نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور در رابطه با دانش‌آموختگان کشاورزی
۴	۰/۹۷	۴/۵۳	عدم توانایی تصمیم‌گیری درست در کوتاه‌ترین زمان
۵	۰/۹۲	۴/۵۱	عدم توانایی درک و پذیرش دیگران
۶	۹۸/۰	۴/۴۸	عدم توانایی ایجاد کسب و کار با همکاری دیگران
۷	۱/۰۳	۴/۴۲	عدم اعتماد به نفس
۸	۰/۹۱	۴/۳۸	عدم برخورداری از انگیزه لازم برای حرکت به سوی خوداشتغالی
۹	۱/۰۴	۴/۳۱	نبود نیاز به کسب موفقیت افراد
۱۰	۱/۱۱	۴/۲۸	عدم وجود قوانین صریح تجاری، گمرکی و بازرگانی در حیطه فعالیت‌های خوداشتغالی
۱۱	۱/۱۲	۴/۲۲	کمبود مشاوره‌های اقتصادی و فنی در حوزه خوداشتغالی
۱۲	۰/۸۹	۳/۸۷	چالش‌های ارتباطی، از قبیل جاده و امکانات مخابراتی و ..
۱۳	۰/۸۷	۳/۸۱	متناسب نبودن نظام تربیت متخصص کشاورزی برای بازار کار
۱۴	۱/۰۵	۳/۷۷	عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغال‌زایی جامعه با رشد دانش‌آموختگان
۱۵	۰/۹۳	۳/۷۴	فقدان ارتباط کافی بین نظام آموزشی و بازار کار
۱۶	۰/۹۴	۳/۷۱	تمرکز دانش‌آموختگان در محیط‌های آموزشی و فقدان ارتباط با صنعت
۱۷	۰/۹۷	۳/۶۹	عدم وجود فلسفه آموزش خوداشتغالی و کارآفرینانه در جامعه
۱۸	۱	۳/۶۴	عدم ترویج فرهنگ خوداشتغالی از طریق دستگاه‌های ارتباط جمعی
۱۹	۱/۲۲	۳/۷۱	نبود فرهنگ خوداشتغالی و تعاون از مقطع آموزش ابتدایی
۲۰	۱/۱۸	۳/۶۹	نبود برنامه منسجم در ایجاد مهارت‌های ضروری برای شکل‌دهی خوداشتغالی در طول دوران تحصیل در دانشگاه
۲۱	۰/۹۸	۳/۶۵	پیشینه فردی انجام کارها به صورت خوداشتغالی
۲۲	۱/۰۴	۳/۶۵	عدم حمایت مالی از طرح‌های خوداشتغالی به صورت وام‌های کم‌بهره و با زمان بازپرداخت طولانی
۲۳	۱/۰۵	۳/۶۷	عدم وجود فرهنگ اقتصادی سالم (رانت‌خواری، رشوه و ...)
۲۴	۱/۰۱	۳/۶۵	عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری و کمبود نقدینگی
۲۵	۱/۰۷	۳/۶۳	عدم گسترش بازاریابی نوین و تجارت الکترونیکی
۲۶	۱/۱۶	۳/۶۱	عدم تدوین خط‌مشی‌های مشخص در راستای تشکیل و توسعه تعاونی‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان
۲۷	۱/۱۱	۳/۵۹	عدم وجود نهادهای تولیدی در شهرهای کوچک و روستاها
۲۸	۱/۰۹	۳/۶۵	عدم آرایه مشوق‌های مادی و معنوی در راستای ثبت ایده‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان
۲۹	۱/۰۳	۳/۵۵	وجود بروکراسی فراوان در گرفتن وام‌های بانکی برای دانش‌آموختگان کشاورزی

مقیاس: خیلی کم: ۱ کم: ۲ تا اندازه‌ای: ۳ زیاد: ۴ خیلی زیاد: ۵

در مرحله سوم نتایج به دست آمده از چالش‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی در چارچوب پرسشنامه در اختیار متخصصان موضوعی قرار گرفت تا موافقت و عدم موافقت خود را با اولویت‌های مشخص شده، بیان نمایند. در این مرحله چالش‌هایی تأیید شدند، که بالای ۶۶ درصد سازگاری و اجماع نظر در مورد آن‌ها وجود داشت (جدول ۲).

جدول ۲- اجماع متخصصان در مورد چالش‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی ایران.

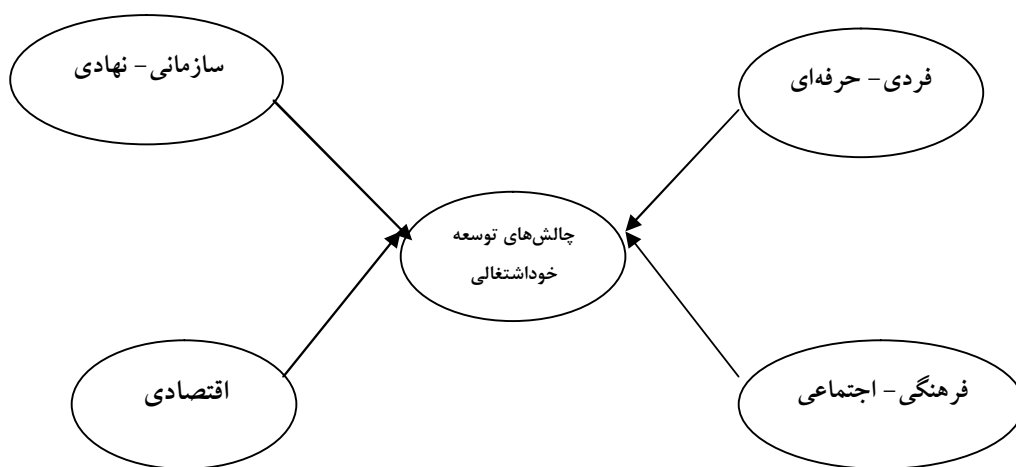
میزان مخالفت (درصد)	میزان موافقت (درصد)	چالش‌ها
۰	۱۰۰	عدم ریسک‌پذیری افراد
۰	۱۰۰	عدم شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌ها
۰	۱۰۰	فقدان نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور در رابطه با دانش‌آموختگان
۰	۱۰۰	عدم وجود فلسفه آموزش خوداشتغالی و کارآفرینانه در جامعه
۰	۱۰۰	عدم توانایی درک و پذیرش دیگران
۰	۱۰۰	عدم اعتمادبه‌نفس
۰	۱۰۰	عدم وجود منابع و زیرساخت‌های ارتباطی از قبیل: جاده، امکانات مخابراتی و ...
۰	۱۰۰	نبود نیاز به کسب موفقیت افراد
۰	۱۰۰	عدم وجود قوانین صریح تجاری، گمرکی و بازرگانی در حیطه خوداشتغالی
۰	۱۰۰	کمبود مشاوره‌های اقتصادی و فنی در حوزه خوداشتغالی در جامعه
۰	۱۰۰	متناسب نبودن نظام تربیت متخصص کشاورزی با بازار کار
۰	۱۰۰	عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغال‌زایی جامعه با رشد دانش‌آموختگان
۰	۱۰۰	فقدان ارتباط کافی بین نظام آموزشی و بازار کار
۰	۱۰۰	تمرکز دانش‌آموختگان در محیط‌های آموزشی و فقدان ارتباط با صنعت
۰	۱۰۰	عدم توانای تصمیم‌گیری درست در کوتاه‌ترین زمان
۰	۱۰۰	عدم ترویج فرهنگ خوداشتغالی از طریق دستگاه‌های ارتباط جمعی
۰	۱۰۰	نبود فرهنگ‌سازی خوداشتغالی و تعاون از دوران آموزش ابتدای
۰	۱۰۰	عدم آرایه مشوق‌های مادی و معنوی در راستای ثبت خوداشتغالی دانش‌آموختگان
۸	۹۲	پیشینه فردی انجام کارها به صورت خوداشتغالی
۱۲	۸۸	عدم حمایت از خوداشتغالی در چارچوب وام‌های کم‌بهره و با دوران بازپرداخت طولانی
۱۲	۸۸	عدم وجود فرهنگ اقتصادی سالم (رانت‌خواری، رشوه و ...)
۱۲	۸۸	عدم وجود امنیت سرمایه‌گذاری و کمبود نقدینگی
۱۶	۸۴	عدم گسترش بازاریابی نوین و تجارت الکترونیکی
۱۶	۸۴	نبود خط‌مشی‌های سازمانی نهادی در راستای تشکیل و توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان
۲۰	۸۰	عدم جود نهادهای تولیدی در شهرهای کوچک و روستاها
۲۴	۷۶	وجود بروکراسی فراوان در گرفتن وام‌های بانکی برای دانش‌آموختگان کشاورزی

بر اساس جدول ۲، در بین چالش‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی ایران، چالش‌هایی همچون: عدم ریسک‌پذیری افراد، عدم شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های کاری، فقدان

وام‌های بانکی از دیدگاه کارشناسان، مورد موافقت کمتری بودند.

چالش‌های استخراج شده به چهار عامل زیربنایی دسته‌بندی شدند. این چهار عامل که براساس مضمون متغیرهای تشکیل‌دهنده آن‌ها، به عامل‌های سازمانی- نهادی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و فردی- حرفه‌ای نامگذاری شدند.

نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور در رابطه با دانش‌آموختگان کشاورزی و عدم وجود فلسفه آموزش خوداشتغالی در جامعه، بیشترین میزان موافقت را از نظر متخصصان داشت. در مقابل، چالش‌هایی مانند عدم وجود نهادهای تولیدی در شهرهای کوچک و روستاها، عدم آرایه مشوق‌های مادی و معنوی در راستای ثبت ایده‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان و وجود بروکراسی فراوان در گرفتن



نگاره ۲- چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی.

اجتماعی شامل: متناسب نبودن نظام تربیت متخصص کشاورزی با بازار کار، فقدان نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور در رابطه با دانش‌آموختگان کشاورزی، عدم ترویج فرهنگ خوداشتغالی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، عدم فرهنگ‌سازی خوداشتغالی و تعاون از مقطع آموزش ابتدایی، نبود برنامه منسجم برای ایجاد مهارت‌های ضروری به‌منظور ایجاد تشکلهای خوداشتغالی در زمان تحصیل در دانشگاه، فقدان ارتباط کافی بین نظام آموزشی و نظام اشتغال، تمرکز دانش‌آموختگان در محیط‌های مرکزی و فقدان تحرک شغلی دانش‌آموختگان و ... می‌باشد.

عامل سوم، چالش‌های اقتصادی است. نتایج نشان می‌دهند که عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت

یکی از عامل‌های مربوط به چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی ایران، عامل فردی- حرفه‌ای است. به‌عبارتی، یکی از چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی یک سری ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای از قبیل: عدم ریسک‌پذیری افراد، عدم اعتمادبه‌نفس و عدم توانایی در شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های اشتغال، عدم احساس نیاز به کسب موفقیت افراد، عدم توانایی درک و پذیرش دیگران در فعالیت‌های گروهی و مشارکتی، عدم توانایی در تصمیم‌گیری درست در زمان کوتاه می‌باشند.

عامل دوم، چالش‌های فرهنگی- اجتماعی است، نتایج گویای آن است که چالش‌های فرهنگی-

ضروری به منظور ایجاد شکل‌های خوداشتغالی در زمان تحصیل در دانشگاه و .. قرار دارند، که گویای اهمیت دو چندان آن‌ها هستند. چالش‌هایی چون: عدم وجود نهادهای تولیدی در شهرهای کوچک و روستاها، عدم آرایه مشوق‌های مادی و معنوی در راستای ثبت ایده‌های خوداشتغالی دانش‌آموختگان و وجود بروکراسی فراوان در گرفتن وام‌های بانکی برای دانش‌آموختگان کشاورزی به ترتیب، اهمیت کمتری دارند. در مرحله سوم اجرای تکنیک دلفای، متخصصان موافقت خود را با کل ۲۶ چالش اولویت‌بندی شده، اعلام نمودند. متخصصان معتقد بودند که یکی از چالش‌های مهم متناسب نبودن نظام تربیت متخصص کشاورزی با بازار کار است. آنان معتقدند که دانشگاه‌ها در آماده کردن دانش‌آموختگان کشاورزی در خوداشتغالی موفق نبوده‌اند که یافته‌های پیشین در این زمینه را تأیید می‌کند (De La Harpe et al., 2000; Kagaari, 2007; Robinson et al., 2007). یافته‌های سومبرگ (Sumberg, 2006)، و بریجستون (Bridgstock, 2010) نیز مؤید اهمیت زیرساخت‌های جمع‌گرایی، مسئولیت‌پذیری، ریسک‌پذیری، میزان تجربه و پیشینه فرد در زمینه کارهای گروهی در تشکیل و توسعه تعاونی و همکاری است. اولویت‌بندی میزان وجود چالش‌های فردی- حرفه‌ای دانش‌آموختگان کشاورزی، گویای آن است که چالش‌هایی چون: عدم ریسک‌پذیری افراد، عدم اعتمادبه‌نفس، عدم توانایی در شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های اشتغال، عدم توانایی در تصمیم‌گیری درست در زمان کوتاه، عدم احساس نیاز به کسب موفقیت در افراد و عدم توانایی درک و پذیرش دیگران در فعالیت‌های گروهی از مهمترین چالش‌های فردی- حرفه‌ای است که یافته‌های هاروی و بویرس برون (Harvey and Bowers-Brown, 2003)، نیز مؤید اهمیت زیرساخت‌های جمع‌گرایی،

اشتغال‌زایی جامعه با رشد دانش‌آموختگان، عدم وجود مشاوره‌های اقتصادی و فنی در حوزه خوداشتغالی در جامعه، عدم حمایت از خوداشتغالی در قالب وام‌های کم‌بهره با بازپرداخت طولانی و ...، از چالش‌های توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی است. عامل چهارم، چالش‌های سازمانی- نهادی است. که شامل: عدم وجود قوانین صریح تجاری، گمرکی و بازرگانی در حمایت از فعالیت‌های خوداشتغالی، فقدان نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور در رابطه با دانش‌آموختگان کشاورزی و ...، از چالش‌های سازمانی- نهادی ضروری توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج به‌دست آمده از تحلیل دیدگاه خبرگان حوزه توسعه خوداشتغالی در کشور در چارچوب روش دلفای گویای آن است که ۲۶ چالش در توسعه خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی ایران نقش بسزایی دارند. اولویت‌بندی میزان اهمیت هر یک از چالش‌ها نشان داد که برخی عوامل نظیر: عدم ریسک‌پذیری افراد، عدم توانایی در شناسایی و بهره‌برداری از فرصت‌های ایجاد اشتغال، فقدان نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور در رابطه با دانش‌آموختگان کشاورزی، اهمیت بیشتری داشتند. هرچند بیش‌ترین چالش‌های اولویت‌بندی شده در حیطه چالش‌های فرهنگی- اجتماعی (فقدان نظام برنامه‌ریزی و اجرایی کشور در رابطه با دانش‌آموختگان کشاورزی، متناسب نبودن نظام تربیت متخصص کشاورزی با بازار کار، عدم ترویج فرهنگ خوداشتغالی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، عدم فرهنگ‌سازی خوداشتغالی و تعاون از مقطع آموزش ابتدایی، نبود برنامه منسجم برای ایجاد مهارت‌های

بر اساس یافته‌ها پیشنهاد می‌شود:

۱- با توجه به اهمیت بالای چالش‌های فردی- حرفه‌ای می‌باید توجه بیشتری به توانمندسازی دانش‌آموختگان کشاورزی در راستای کسب مهارت‌های یادشده معطوف گردد. چرا که توانمندسازی دانش‌آموختگان در این زمینه‌ها می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری تشکلهای مشارکتی و خوداشتغالی شود.

۲- نظر به چالش‌های حیطه اقتصادی از جمله عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغال‌زایی جامعه با رشد دانش‌آموختگان، کمبود مشاوره‌های اقتصادی و فنی در حوزه خوداشتغالی در جامعه، عدم حمایت از خوداشتغالی در قالب وام‌های کم بهره با بازپرداخت طولانی، ضروری است نسبت به ایجاد یا اصلاح این زیرساخت‌ها برنامه‌ریزی و اقدام گردد. همچنین، انجام مطالعه امکان‌سنجی در آغاز شکل‌دهی خوداشتغالی ضروری به نظر می‌رسد و به توسعه و ماندگاری خوداشتغالی کمک می‌کند.

۳- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در پی زیرساخت‌سازی توسعه تعاونی خوداشتغالی دانش‌آموختگان در زمینه‌های فرهنگی- اجتماعی، فردی- حرفه، سازمانی- نهادی و اقتصادی نسبت به برنامه‌ریزی‌های ترویجی- آموزشی از جمله شناساندن تشکلهای خود اشتغالی موفق، برگزاری کلاس‌های آموزشی، کارگاه‌های آموزشی اقدام نماید.

مسئولیت‌پذیری، ریسک‌پذیری، میزان تجربه و اعتمادبه‌نفس در تشکیل و توسعه تشکلهای خوداشتغالی و همکاری است. اما وجود چالش‌های فرهنگی- اجتماعی نظیر؛ ترویج فرهنگ خوداشتغالی از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی، نبود برنامه منسجم برای ایجاد مهارت‌های ضروری به‌منظور ایجاد تشکلهای خوداشتغالی در زمان تحصیل در دانشگاه، فقدان ارتباط کافی بین نظام آموزشی و نظام اشتغال، تمرکز دانش‌آموختگان در محیط‌های آموزشی و فقدان ارتباط با بخش صنعت و ... نیز با نتایج بررسی‌های ویلیامز (Williams, 2009) همخوانی دارد. همچنین از نظر متخصصان، چالش‌های اقتصادی توسعه خوداشتغالی از جمله؛ عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت اشتغال‌زایی جامعه با رشد دانش‌آموختگان، کمبود مشاوره‌های اقتصادی و فنی در حوزه خوداشتغالی در جامعه، عدم وجود فرهنگ اقتصادی سالم (رانت‌خواری، رشوه و...) با یافته‌های پاخام و همکاران (Packham et al., 2010)، مبنی بر ناکافی بودن اعتبارهای اعطایی، ضرورت وجود محیط اقتصادی سالم و نبود فقر مالی برای تشکیل و توسعه خوداشتغالی انطباق دارد. با توجه به این‌که اساسی‌ترین خوداشتغالی دانش‌آموختگان کشاورزی به پنج عامل سازمانی- نهادی، اقتصادی، فرهنگی- اجتماعی و فردی- حرفه‌ای تقلیل یافتند، لذا باید به رفع آن‌ها به‌منظور اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان کشاورزی توجه جدی نمود.

منابع

۱. ابدی، ب. و زمانی، غ. ۱۳۸۸. عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان کشاورزی: مورد مطالعه دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۵ (۲): ۳۱-۴۴.
۲. پورکریمی، ج. ۱۳۸۵. عوامل مؤثر بر خوداشتغالی دانش‌آموختگان. اولین همایش ملی مدیریت کارآفرینی، تهران.

۳. رضایی، ر. و صفا، ل. ۱۳۹۵. بررسی موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط اقتصادی زودبازده و کارآفرین کشاورزی در استان زنجان. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۲-۴۷ (۱): ۶۷-۷۹.
۴. زمانی، غ. و عزیزی، ط. ۱۳۸۵. تحلیل نظرات مدیران اجرایی نسبت به اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۲ (۲): ۷۳-۸۶.
۵. شریعت، م.ت. و دانایی، م. ۱۳۹۰. آموزش عالی و اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی. Access on 16 June 2011, available at: http://www.agri-ng.org/fa/2010/06/post_1637.php
۶. شهبازی، ا. و علی بیگی، ا.ح. ۱۳۸۵. واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۲ (۱): ۱۴-۲۴.
۷. طهماسبی گنجور، ط. و لبافی، ع. ۱۳۸۴. تعاون و تأثیر آن بر بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه. مجله کار و جامعه، ۲۱-۲۳: ۶۳.
۸. عربیون، ا.، عبداله‌زاده، غ. و شریف‌زاده، ا. ۱۳۹۲. بررسی و تحلیل گرایش به خوداشتغالی در بین دانشجویان (مورد دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان). تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴ (۴): ۵۹۱-۵۸۱.
۹. کلدی، ع.، ازکیا، م. و شاه حیدری‌پور، م. ۱۳۹۱. عوامل مؤثر در توسعه و اثربخشی طرح‌های خوداشتغالی و کارآفرینی دانشجویان شاهد و ایثارگر (مورد مطالعه: گروه‌های ایثارگری شهر تهران). مطالعات جامعه‌شناختی ایران، ۲ (۷): ۱۰۱-۸۳.
۱۰. موحدی، ر.، اکبری، ر.، یعقوبی فرانی، ا. و خداوردیان، م. ۱۳۸۹. راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان). پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۳ (۴): ۸۵-۹۸.
۱۱. یعقوبی فرانی، ا.، حسینی‌نیا، غ.، معتقد، م. و زلیخایی، ل. ۱۳۹۳. کارکردهای بخش تعاون در تسهیل اشتغال زنان دانش‌آموخته کشاورزی شهرستان همدان. تعاون و کشاورزی، ۳ (۹): ۱۱۱-۸۵.
12. Alibeige, A., and Zarafshani, K. 2006. Are agricultural graduates meeting employers' expectations? A perspective from Iran. *Perspectives in Education*, 24(3): 53-61.
13. Bridgstock, R. 2010. The graduate attributes we've overlooked: Enhancing graduate employability through career management skills. *Higher Education Research and Development*, 28(1): 31-44.
14. Caliendo, M., Fossen, F.M., and Kritikos, A.S. 2011. Personality characteristics and the decision to become and stay self-employed. *DIW Berlin Discussion Paper No 1113*.
15. Cannon, J.G. 2005. Perceptions of the influence of the Virginia governor's school for agriculture on VGSA Alumni. Doctoral dissertation, Virginia Polytechnic Institute and State University.
16. De La Harpe, B., Radloff, A., and Wyber, J. 2000. Quality and generic (professional) skills. *Quality in Higher Education*, 6(3): 231-243.
17. Esters, L.T., and Bowen, B.E. 2005. Factors influencing choices of urban agricultural education students. *Journal of Agricultural Education*, 46(2): 24-35.
18. Harvey, L., Locke, W., and Morey, A. 2002. Enhancing employability, recognizing diversity: Making links between higher education and the world of work, London and Manchester: Universities UK and CSU. Inc., UK.
19. Harvey, L., and Bowers-Brown, T. 2003. The employability of graduates: cross-country comparisons. Proceedings of third research conference of Department for Education and Skills, 5th December 2003: The Institution of Civil Engineers, London, UK., Pp: 107-123.

20. Hejazi, Y., Hashemi, S.M., and Malek-Mohammadi, I. 2008. Iranian agricultural graduates and agri-business ventures. *American Eurasian Journal of Agricultural and Environmental Science*, 4(3): 311-317.
21. Jackson, V. 2007. An insight into the career paths and employability of humanities graduates. *Journal of Employability and Humanities*, 1: 1-12.
22. Kagaari, J.R.K. 2007. Evaluation of the effects of vocational choice and practical training on students' employability. *Journal of European Industrial, Training*, 31(6): 449-471.
23. Khalil, A. 2013. Identification of barrier factors and potential solutions to SMEs development among Jordanian manufacturing sector. *Journal of Business and Management*, 8(24): 132- 140.
24. Maya, I., and Anton, M. 2012. Barrier factors and potential solutions for Indonesian SMEs. *Procedia Economics and Finance*, 4: 3- 12.
25. McQuaid, R.W., and Lindsay, C. 2005. The concept of employability. *Urban Studies*, 45(2): 197-219.
26. Mertens, L. 2004. *Training, Productivity and Labor Competencies in Organizations: Concepts, Methodologies and Experiences*. Montevideo: Cinterfor/ILO.
27. Movahedi, R. 2009. *Competencies Needed by Agricultural Extension and Education Undergraduates for Employment in the Iranian Labor Market*. Berlin: dissertation. de publications.
28. Myers, B.E., Dyer, J.E., and Washburn, S.G. 2005. Problems facing beginning agricultural teachers. *Journal of Agricultural Education*, 46(3): 47-55.
29. Packham, G., Jones, P., Miller, C., Pickernell, D., and Thomas, B. 2010. Attitudes towards entrepreneurship education: a comparative analysis. *Strategic Direction*, 27(6): 568-586.
30. Robinson, J.S., Garton, B.L., and Terry, R. 2007. Identifying the employability skills needed in the workplace according to supervisors of college of agriculture, food and natural resources graduates. *Journal of Southern Agricultural Education Research*, 57(1): 95-100.
31. Sumberg, J. 2006. Establishing a national framework for enabling small commodity producers' integration into supply chains. Paper prepared for the UNCTAD Expert Meeting Enabling Small Commodity Producers in Developing Countries to Reach Global Markets, 11-13.
32. Vargas Zuniga, F. 2004. *40 Questions on Labour Competency*. Montevideo: Cinterfor.
33. Williams, G. 2009. Finance and Entrepreneurial Activity in Higher Education in a Knowledge Society, in: M. Shattock (ed.), *Entrepreneurialism in Universities and the Knowledge Economy: Diversification and Organizational Change in European Higher Education*, Pp: 8-32.
34. Zhu, P., Wittmann, X., and Peng, M. 2011. Institution-based barriers to SMEs in China. *Asia Pacific Journal of Management*, 2: 1-12.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 4(3), 2017
<http://jead.gau.ac.ir>

Analysing the implications and challenges of self-employment among the agricultural graduates

V. Aliabadi¹, *P. Ataei², R. Movahedi³ and M. Khayati¹

¹Ph.D. Student of Agriculture Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran,

²Ph.D. Student of Agriculture Extension and Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran,

³Associate Prof., of Agriculture Extension and Education, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Received: 31/4/2016 ; Accepted: 3/12/2017

Abstract

Self-employment among the agricultural graduates is one of the most important issues in Iran. Therefore, the main aim of this study was to analyze implications and challenges of how should be developed self-employment among agricultural graduates by a qualitative method. This study was done in two steps. First step was conducted by a Delphi technique during three phases with participation of 25 experts on self-employment include agricultural economic experts, faculty members, staff directors of cooperative department and pioneer entrepreneurs. The second step was done through a content analysis process. A purposeful sampling method was used to select the samples. The results were theoretically saturated by 26 challenges about creating and developing self-employment among the agricultural graduates. Finally, four main themes were extracted and grouped i.e. organizational- institutional, economical, socio- cultural and personal-professional. According to results of this study, some recommendations have been presented at the end of the article.

Keywords: Self-employment, Agricultural Graduates, Entrepreneurship and Employment

*Corresponding author: ataeip@yahoo.com